

■ **شما بعد از ۱۹ سال دوری از فضای موسیقی، کارجدیدتان را در همکاری با خواننده‌های آغاز کردید که عنوان کار اولی را دارد. این همکاری برچه اساس وباچه‌هدفی شکل گرفت؟**

همکاری من با محمد یادگار خواننده جوان و خوش صدا در قالب یک آلبوم موسیقی است که به‌تازگی اولین قطعه‌ه از آن را با عنوان «به سفر فکر نکن» با شعری از فرزانه ملکی در دستگاه نوا ساختم. سازبندی این اثر ارکسترال است که در اکثر کارهای من شنیده می‌شود و از آنجایی که شعر این قطعه به نوعی عاطفی است از سازهای بادی – چوبی برای نشان دادن این فضا استفاده کردم. هم‌اکنون نیز در حال ضبط و تولید مابقی قطعات هستیم. در واقع این همکاری به پیشنهاد دوست قدیمی ام پژمان بلورچی که از ناشرین با سابقه موسیقی هستند شکل گرفته‌است.

■ **چرا به‌سرآخ خوانندگان مطرح نرفتی‌دور کناریک خواننده جوان و کار اولی قرار گرفتی؟**

معتمد افرادی همچون محمد یادگار که در زمینه موسیقی ایرانی کار می‌کنند نیاز به هدایت بیشتری دارند و باید حمایت‌هایی صورت گیرد که افراد جدیدی در آواز ایرانی ورود کنند. خصوصا در شرایطی که فضای مجازی فضای فضا مسلطی در جامعه شده و هر کسی می‌تواند از موسیقی‌های غرب و کشورهای همجوار تأثیر بگیرد. متأسفانه مسأله‌ای که این روزها شاهدش هستیم این است که موسیقی‌های ترکی استانبولی عینا وارد موسیقی ما شده، بنابراین باید از خوانندگانی که در زمینه موسیقی ایرانی، موسیقی که زیربنایش در طول تاریخ در کشور ما گذاشته شده فعالیت می‌کنند، حمایت کنیم.

مسأله دیگری که برای همه ما ملاک است شخصیت آدم‌هایی است که با آنها همکاری می‌کنیم. البته این بدان معنا نیست که بقیه فاقد کاراکتر و شخصیت هنری واجتماعی هستند اما برخی در برخورد و نگاه اول دارای تفاوت‌های فرهنگی هستند که باعث شکل‌گیری همکاری می‌شود و این ذوق و شوق و انگیزه را در آدم ایجاد می‌کنند که دلش بخواهد با آنها کار کند. در واقع همه این فاکتورها در کنار هم ارزش این را دارد که با کار اولی ها انگیزه کار کردن پیدا کنم.

■ **شما در دوره‌ای آلبوم «یاد‌استاد» را منتشر کردید که به بازخوانی و بازسازی آثار آقای علی تجویدی اختصاص داشت وهمان موقع هم اشاره کرده بودید که برای تنظیم وبازسازی دوباره از استاد جازه گرفته بودید. دریک دوره‌ای هم به بازسازی آثار گل‌ها پرداختید. با توجه به کم کار شدن تان در سال‌های اخیر آیا هم‌اکنون و در شرایط کنونی وباتشار این کار تصمیم دارید مجددا کارهای دوره گل‌ها را بازسازی کنیدو آثاری از قبیل تصنیف‌های آقای تجویدی را منتشر کنید؟ آیا در حال حاضر فبرای ارائه چنین آثاری محیاست؟**

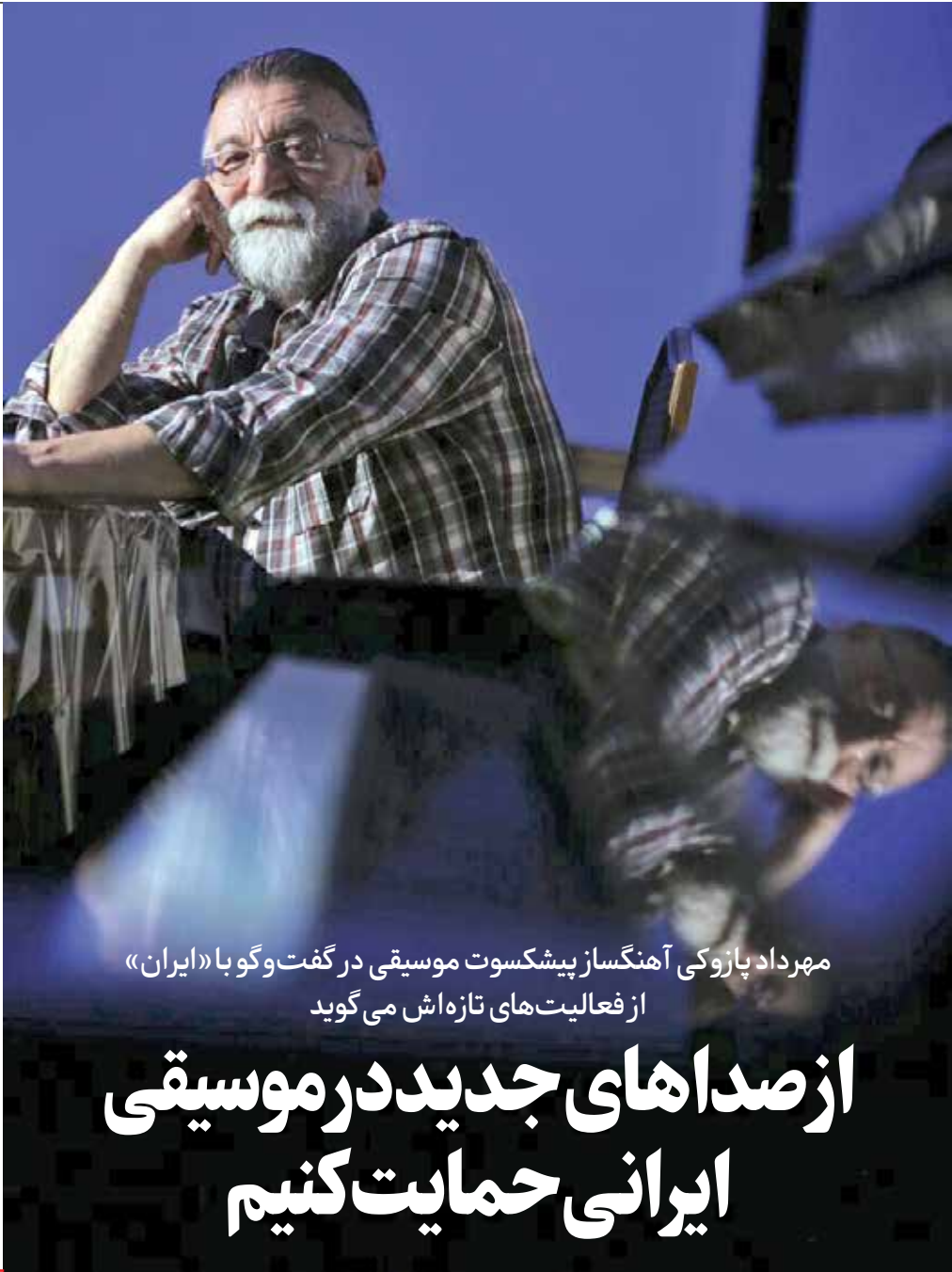
تشخیص چگونگی فضای فعلی خیلی شخصی است. یعنی اینکه من تشخیص دهم فضا خوب است یا نه. اصول این کار نتیجه گرفتن راسخت می‌کند. وقتی کاری را که مربوط به گذشته است انجام می‌دهید بعضی وقت‌ها مورد سؤال قرار می‌گیرید که خواننده اصلی بهتر نخوانده بود؟ برخی می‌گویند نه. برخی دیگر معتقدند آثار گذشتگان به‌خوبی اجرا و آهنگسازی شده و با اجرای دوباره در قالب بازسازی و بازخوانی کلیت کار ضربه می‌خورد و مخاطب دوست ندارد آنها را بشنود چرا که اصل آنها به بهترین حالت ممکن موجود است.

اما به نظر من بحث بازسازی بحث بهتر خواندن یا بدتر خواندن نیست، بحث این است که کارهایی از جمله «یاد استاد» که در آن دوران یعنی حدود سال‌های ۷۵ بازسازی شد آثاری بودند که به‌واسطه گذشت زمان اتفاقات متعدد از دنیای موسیقی برجای مانده بود اما در ذهن‌ها فراموش شده بود. بر این اساس این بازسازی در واقع یک بازآفرینی به هست، فقط یک بازسازی نیست. چون من انگیزه داشتم که برگردیم به دورانی که دوران طلایی موسیقی لقب دارد و آثارش برای مردم خیلی خاطره‌انگیز بود و به نوعی هم از یادها رفته بود و ما بیک‌نواخت شده بودیم. آن زمان سبک‌هایی از موسیقی در تلویزیون تولید می‌شد که خیلی خوب نبود چرا که معتقدم در تلویزیون نباید موسیقی تولید شود بلکه باید کارها در بیرون ساخته و تولید شوند و تلویزیون فقط پخش‌کننده باشد. اینکه خودش گروه تشکیل می‌دهد و تولید می‌کند طبیعی است که به مرور زمان به یک‌نواختی می‌رسیم. زحمات استادان پروریز باحقی و علی تجویدی نمی‌شد که آن زمان از تلویزیون پخش شود. این را یادآوری کردم چون خودم آن قطعات را دوست داشتم. چرا که دوره کودکی و نوجوانی و جوانی من در آن کارها گذشته بود و در میان همه افشار جامعه مطرح بوده‌است.

به‌طور کلی ما از زمان گل‌ها و حتی قبل‌تر موسیقی‌های بسیار غنی داریم که می‌شود همه آنها را بازسازی کرد اما نمی‌دانم شخصا به آنها خواهم پرداخت یا نه؟ فعلا که در حال حاضر جویام منفی است.

■ **اگر قبایس با گذشته داشته باشیم آهنگسازهایی که امروزه صورت‌همی گیرد چه تفاوتی با گذشته دارد؟**

مقایسه خیلی پیچیده‌ای است. چون از یک جایی به جایی راه‌ها شده‌است. در دوره طلایی موسیقی ایران تعداد کسانی که آهنگسازی می‌کردند خیلی محدود بودند و خوشبختانه امروزه تعداد آنها بسیار بیشتر شده اما تشخیص متخصص و غیرمتخصص بسیار دشوار شده است چرا که در شرایط کنونی کبی‌برداری از



مهرداد بازوکی آهنگساز پیشکسوت موسیقی در گفت‌وگو با «ایران» از فعالیت‌های تازه‌اش می‌گوید

از صداهای جدید در موسیقی ایرانی حمایت کنیم

ن. ک.

پیانو به‌طور هم‌زمان کار جدی خود را آغاز کند و در همان زمان با «البویه مسیان» که لقب‌خداوند‌گار آهنگسازی را داشته‌آشنایی شود. در اوایل دهه‌صصت‌پازوکی به‌ایران بازمی‌گردد و برای تکمیل آموخته‌های خود به مرکز حفظ و اشاعه موسیقی سنتی ایرانی می‌رود. مهرداد پازوکی به‌تدریج وارد عرصه آهنگسازی می‌شود و بعد از آلبوم «یاد‌استاد» مجموعه دیگری را با صدای علیرضا افتخاری آهنگسازی کرده که «پاییز» نام‌دارد. آلبوم پاییز نقطه‌عطفی در کارهای مشترک پازوکی و افتخاری بود و بعد از آن در سه آلبوم دیگر با افتخاری همکاری می‌کند: «گل میخک»، «خوش آمدی» و «خنده بارون». او علاوه بر همکاری با افتخاری با علی رستمیان در آلبوم «جام عشق»، «با عبدالحسین مختاباد در آلبوم «ساقی رضوان»، با مسعود خادم در آلبوم «گل عشق»، با سارا آناثانی و جاوید عسگری در آلبوم رامنا، با پدرام بلورچی در آلبوم «بهشت گمشده»، با مهرداد پیکرزاده در آلبوم «حتی اگر نباشی» همکاری داشته‌است و همچنین موسیقی متن تله‌فلم‌های «سوزن‌بان» و «ماما» (قابله) به کارگردانی احمد طرفیل و فتاو موسیقی متن نمایش «ریچارد» (اقتباس از ریچارد سوم ویلیام شکسپیر) به کارگردانی حمید رضاعینی را ساخته است. پازوکی این روزها با گذشت نزدیک به ۲۰ سال شروع به آهنگسازی کرده و قصد دارد با انتشار جدیدترین اثرش با صدای محمد یادگار از صداهای جدید در عرصه موسیقی ایرانی حمایت کند. گفت‌وگو با این هنرمند را ادامه‌ای خوانید:

اتفاقات رخ نخواهد داد.

■ **این حرف بر چه اساس است؟**

اینکه ما افراد صاحب ذوق داریم را نمی‌توانیم کتمان کنیم. ما نواحی مختلفی در کشور داریم و دانشگاه‌های موسیقی هدایت کنیم و بتوانیم آهنگساز خوب پرورش دهیم. اما با تمام داشتن پایه‌های آهنگسازی به ما کمک کنند که از آنها

پیشرفت‌هایی کردیم. در واقع امکانات فراگیری و یادگیری هم بیشتر شده اما به‌طور کلی آهنگسازی یک بخش آن علم و جوشش‌های روحی است که می‌توانیم این بخش را به‌درستی در کشور و اتاها و دانشگاه‌های موسیقی هدایت کنیم و بتوانیم آهنگساز خوب پرورش دهیم. اما با تمام داشتن این امکانات نظر من این است که هم‌اکنون این

موسیقی کشورهای همجوار بسیار زیاد شده و برخی آهنگسازان فقط با تغییر ترانه و شعر آن را تولید شده خود می‌دانند و به نام خودشان منتشر می‌کنند. خوشبختانه امروز فضا و امکانات ضبط و سازی و پرداخت‌ها بیشتر شده و خیلی آراذانه کارهای متفاوتی اتفاق می‌افتد. بنابراین در این زمینه هم

■ **شنبه ۱ خرداد ۱۴۰۰**

■ **سال بیست‌وهفتم**

■ **شماره ۷۶۳۳**

خط بگیریم و بتوانیم کار تولید کنیم ولی آیا ما در مدارس موسیقی‌مان چقدر از این عناصر و المان‌ها می‌توانیم استفاده کنیم که به صورت دلی در دوره قدیم استفاده می‌شد. در گذشته‌ها استادان علی تجویدی، پرویز باحقی، حبیب‌الله بدیعی و فرامرز پایور بودند که همانند ندارند. در دوره‌های بعد آنها شاهکاری به نام پرویز مشکاتیان و محمدرضا طلفی داشتم که خیلی عالی کار کردند. جامعه امروز ادامه‌ای از این پایه‌های استوار و محکم موسیقی است که می‌تواند با بهره‌مندی از این سرمایه‌ها و قابلیت‌هایی که در شرایط کنونی موجود هستند بیشترین استفاده را بکنند اما متأسفانه با بررسی نتایج موجود چیزی خلاف این را نشان می‌دهد چرا که نتوانستیم استعداد‌های بالقوه را به‌فعل در بیاوریم.

من خودم در گذشته دواکار از استاد جواد لشگری تنظیم کردم که علیرضا افتخاری خواند و آلبوم «یاد استاد» که آثار استاد علی تجویدی بود و با صدای علیرضا افتخاری منتشر شد. این دواستاد جایگاه از ششمندی در موسیقی ایرانی داشته و دارند. درست است که باید از علی تجویدی با نام بزرگتر یاد کرد چرا که به نوعی تفاوت شنوایی جامعه آن زمان این بوده که آثار علی تجویدی بیشتر در چشم مردم بوده البته آثار جواد لشگری هم بوده ولی اندازه‌ها متفاوت است به‌طور کلی آلبوم «یاد‌استاد» اولین کار بازسازی در تاریخ موسیقی ایران نمود و جلوه دیگری پیدا کرده و بیشتر نظر‌ها به سمت اوست.

■ **چرا طی این همه سال که نزدیک به ۲۰ سال است از کار موسیقی فاصله گرفته بودید؟**

من به عمد خودم را از کار کردن و مخاطبانمان را از موسیقی‌ام محروم نکردم. روال کار من از آلبوم پاییز که سال ۷۸ منتشر شد و بعد از آن قطعه روز و شب که خیلی مطرح شدند، این بود که می‌خواستم با تکیه به اساس آن سبک موسیقی که سبک گل‌ها هم بود را ادامه دهم ولی حس کردم دنیای موسیقی در بعد تجاری و هنری باید مانوس و با هم بودن را تجربه کنند و نباید بعد هنری آنچنان کم و کم‌رنگ و جنبه تجاری در دنیای موسیقی بیشتر شود و تفاوت داشته باشد که در این صورت آثار از معنویت‌بهره کمتری می‌برند اما متأسفانه در آن سال‌ها چنین شرایطی حاکم بود و من ترجیح دادم به مطالعه بپردازم و تمرکز را بر مواردی بگذارم که در موسیقی‌مان کم هست و می‌شود برایشان کاری کرد. به همین دلیل در همه این سال‌ها به صداسازی و مابقی خوانندگی پرداختم چرا که معتقدم موسیقی‌مان مبتنی بر آواز است و از گذشته‌های دور آواز نقش اساسی و پررنگی در موسیقی ایرانی داشته است ولی متأسفانه ما در کشورمان یک مدرسه نداریم که آواز درس بدهند.

■ **در هنرستان‌ها و دانشگاه‌های موسیقی ساز درس می‌دهند ولی هنرجوی علاقه‌مند به آواز باید برای تحصیل در این زمینه به کلاس‌های خصوصی استادان برود یا در آموزشگاه‌های آزاد آموزش ببیند. با تمام این شرایط آیا این رشته از موسیقی نمی‌تواند شکل آکادمیک‌تری داشته باشد؟**

در این خصوص تحقیقاتی کرده‌ام و کمی هم به آموزش آواز پرداخته‌ام. در واقع از موسیقی‌دور نبودم، فقط اینکه با خواننده‌خاصی کار و به‌صورت رسمی آثاری را منتشر نکردم. البته تک‌تک‌هایی در این سال‌ها از من منتشر شده که چون خیلی مطلوب نظر نبوده آنها را به حساب کار رسمی نمی‌گذارم. در حال حاضر و با بازگشتم به فضای رسمی موسیقی کارهایی را بر اساس صدای محمد یادگار ساخته‌ام که در حال ضبط آنها هستیم و قرار است در قالب یک آلبوم در اختیار علاقه‌مندان قرار گیرد.

■ **در کنار خواننده اولی قرار گرفتن آن هم بعد از ۲۰ سال فاصله‌گیری از موسیقی آیا در ادامه همان کارهای تحقیقاتی‌تان صورت گرفته یا حمایت از صداهای جدیدی در موسیقی ایران است؟**

شاید همه اینها، موافق هستم که باید صداهای جدیدی وارد عرصه موسیقی شوند و خوانندگان جدید کارشان را شروع کنند. من با صداهای مختلفی کار کردم و صداهای جدید برای من فرصت تجربه است و امیدوارم با سایر خوانندگان جوان هم فرصتی برای کار کردن فراهم شود. واقعیت این است که هر چقدر بنشینتی تا شرایط مطلوب پیش بیاید ممکن است شرایطش ایجاد نشود اگر خود من به عنوان آهنگساز و تنظیم‌کننده یا به عرصه نگارم و شرایطی را ایجاد نکنم کسی شرایط بهتری برام فراهم نمی‌کند و نمی‌توانم بنشینم تا فرصت شرایط خوب مهیا شود. به همین خاطر باور کردم باید نقش ایجادکننده داشته باشم و بر این اساس تصمیم گرفتم به واسطه دوستی و همکاری با آقای پژمان بلورچی ناشر با سابقه با آقای محمد یادگار آشنا شوم و کار جدید ارائه دهم. من خیلی به کارم جدی‌تر فکر می‌کنم و امید دارم این قطعات را علاوه بر آلبوم بتوانم به صحنه بیاورم چرا که من به موسیقی صحنه بسیار باور دارم و معتقدم اجرای صحنه و فعالیت‌خیلی در زندگی‌ما روحیه هنرمند می‌تواند تأثیرگذار باشد. تولید و ساخت قطعات توسط هنرمندان در پستو و در خلوت ایجاد می‌شود اما در صحنه می‌توان به مردم رابطه برقرار کنیم و اگر به دل‌های آنها راه پیدا کنیم خیلی خوب است. من این اشتیاق را به خاطر آقای محمد یادگار خواننده آثارم پیدا کردم و در تلاشم با مطلوب شدن شرایط کرونا سعی کند با تداوم در مسیر خود، (که البته مشمول زمان خواهد شد) آهسته و پیوسته جای خود را باز کرده و ماندگار گردد.

کار اولی‌های معروف

عنوان کار اولی همیشه برچسبی بود برای موزیسین‌هایی که بعد از فعالیت‌های پرانکند، با انتشار اولین آلبوم پایشان به فعالیت رسمی موسیقی کشور باز شده است درواقع این اثر سکوی پرتابی برای آنهاست که بتوانند خودشان را به مخاطبان‌شان معرفی و در جهان پرازحام موسیقی جایی برای خودشان باز کنند.

بسیاری از هنرمندان چهره امروز خصوصا خوانندگان (به واسطه نقش پررنگ خواننده در موسیقی ایرانی) هم روزگاری کار اولی بوده‌اند و با حمایت ناشران و تهیه‌کنندگان توانسته‌اند جایگاهی برای خود پیدا کنند که در اینجا به برخی نام‌ها اشاره و روند کاریشان را مرور می‌کنیم.

■ **علیرضا افتخاری**

او که امروزه از پرمخاطب‌ترین و سرشناس‌ترین خواننده‌های ایران است و تاکنون بیش از هفتاد آلبوم موسیقی منتشر کرده، برای اولین بار در سال ۱۳۶۲، نخستین آلبوم خود را به توصیه فرامرز پایور با نام «آتش دل» به آهنگسازی عبدالحسین برازنده و به یاد تاج اصفهانی منتشر کرد. شاید زمانی که او این اثر را منتشر کرد کمتر کسی صدای او را می‌شناخته و به واسطه حمایت‌های استاد پایور با انتشار اولین اثرش معرفی شده‌است. در واقع هم نام او و هم نام آهنگساز در آن دوره شناخته شده نبوده ولی همین اثر سکوی پرتاب او بوده که پایش را به‌صورت جدی به موسیقی ایران باز کرده‌است.

صدای او همچنین برای نخستین بار در سال ۱۳۶۳ با آوازی به نام «قصه گیسو» با ضبط کامبیز روشن‌روان و با نی‌نوازی محمدعلی کیانی‌نژاد در سریال امیرکبیر، از تلویزیون ایران پخش شد.

■ **محمد معتمدی**

او که صدایش با حمایت‌های محمدرضا لطفی در گروه هنموزان شیدا، مجید درخشانی با گروه خورشید، فرهاد فخرالدینی با ارکستر ملی و حسین علیزاده با گروه هم آوایان بیشتر به مخاطبان‌شان معرفی شد. اولین آلبومش را سال ۱۳۸۵ با عنوان بودن و سرودن به آهنگسازی مجید درخشانی و گروه خورشید منتشر کرد. درست است که این اثر اولین کار او محسوب می‌شود اما نمی‌توان از نقش پررنگ بزرگان موسیقی که در بالا به آنها اشاره شد خصوصا ارکستر ملی در معرفی او و دیگرهمسلاش همچون علیرضا قربانی و سالار عقیلی چشمپوشی کرد چرا که ارکسترملی ایران در دهه ۸۰ نقش مؤثری در معرفی خوانندگان جوان موسیقی ایران داشت که در این زمینه هم بسیار موفق عمل کرد.

■ **سالار عقیلی**

او که اولین کنسرتش را سال ۱۳۷۵ در سن ۱۸ سالگی و در جشنواره موسیقی فجر برگزار کرده به دعوت فرهاد فخرالدینی خواننده ارکستر ملی ایران می‌شود و از همان زمان صدایش به جامعه موسیقی معرفی می‌شود. این خواننده نیز اولین آلبوم موسیقی‌اش را سال ۱۳۸۰ با عنوان عشق ماند به آهنگسازی ارشد ته‌سماپی و اجرای گروه موسیقی نوروز در بازار موسیقی منتشر می‌کند.

سالار عقیلی تا به امروز بیش از ۴۰ آلبوم و اثر موسیقی منتشر کرده و توانسته است بیشترین همکاری را در جایگاه خواننده با کارگردانان سینما و تلویزیون داشته باشد.

■ **علیرضا قربانی**

فعالیت حرفه‌ای خود را به‌عنوان خواننده موسیقی ایرانی از اواسط دهه ۷۰ آغاز کرد و در سال ۱۳۷۷ پس از شروع فعالیت رسمی ارکستر موسیقی ملی ایران به رهبری فرهاد فخرالدینی و خوانندگی محمدرضا شجریان و با معرفی حسین عمومی و علی تجویدی، همکاری خود را به‌عنوان خواننده ثابت ارکستر ملی ایران آغاز کرد.

یک سال بعد یعنی در سال ۱۳۷۸ اولین آلبوم او با نام «اشتیاق» به آهنگسازی فرهاد فخرالدینی و اجرای ارکستر ملی ایران منتشر شد. قربانی بعد از این اثر با هنرمندانی چون همایون خرم، مجید درخشانی، هوشنگ کامکار، کیخسرو پورناظری، فریدین خلعتبرنی، داریوش طلائی، صادق چراغی، مهیار علیزاده، پژمان طاهری، سامان صمیمی، علی قمصری، ته‌مورس پورناظری، سهراب پورناظری و سیاوش ولی‌پور همکاری داشته است.

■ **وحید تاج**

او که شاگرد محمدرضا شجریان بوده اولین بار صدایش از جشنواره موسیقی خوزستان سال ۱۳۸۵ شنیده می‌شود. جشنواره‌ای که او توانست مقام اول آواز را کسب کند. او یک سال بعد مقام نخست آواز جشنواره موسیقی جوان را دریافت می‌کند و بعد از حضور در جشنواره‌های متعدد و اجرای چند کنسرت اولین اثرش را سال ۱۳۹۰ با عنوان «خانه غریب» به آهنگسازی پویان بیگلر در دسترس عموم قرار می‌دهد.

■ **سینا سرلک**

اولین بار در سن هفت سالگی در سریال تلویزیونی شاخه طوبیی ترانه‌ای محلی خواند و از آن پس به‌صورت جدی به یادگیری آواز و نوازندگی تنبک پرداخت و با شرکت در چند دوره جشنواره موسیقی فجر و کسب مقام اول در آواز و نوازندگی صدایش شنیده شد.

سینا سرلک نیز همانند بسیاری از خوانندگان نسل جوان به واسطه دعوت فرهاد فخرالدینی و اجرا با ارکستر ملی به جامعه موسیقی معرفی شد و توانست اولین اثر مستقل خود را سال ۱۳۸۸ با عنوان راه و ماه منتشر کند.

با در نظر گرفتن این مسأله که هر هنرمندی کار حرفه‌ایش را با حمایت‌های بزرگان زمانه خودش شروع کرده و با انتشار اولین اثر یا برگزاری اولین کنسرت توانسته راهش را در مسیر پرپیچ و خم موسیقی پیدا کند، تمامی پیشکسوتان موسیقی‌سازی و آوازی ایرانی همچون غلامحسین بنان، حسین قوامی، تاج اصفهانی، عبدالوهاب شهیدی، محمدرضا شجریان، فرامرز پایور، تجویدی و صبا و خالقی و دیگران نیز روزی کار اولی و موزیسین جوانی بودند که هیچ مخاطبی برای خود نداشتند و در جامعه ایران شناخته شده نبودند اما یک اثر، آغازگر فعالیت موسیقایی‌شان بوده است.